مجله یافته های علوم تربیتی و آموزشی

نقش نمادهای طبیعی در زیبایی شناسی تفاسیر ادبی؛ تحلیل سوره الرحمن بر اساس دیدگاه سید قطب

شیما گنجه

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه گیلان

MDOI-02-2026.0203
MNR-217-2-CD0E86

چکیده

نمادهای طبیعی در قرآن کریم از مهم‌ترین ابزارهای بیان هنری و انتقال مفاهیم الهی به شمار می‌آیند. این نمادها با فراتر رفتن از کارکرد توصیفی، از ظرفیت بالایی در برانگیختن ادراک حسی، تخیل و تجربه زیبایی‌شناختی مخاطب برخوردارند و از رهگذر تصویر عناصر طبیعت، معانی انتزاعی را در قالب صحنه‌هایی زنده، محسوس و تأثیرگذار بازنمایی می‌کنند. ازاین‌رو، مطالعه زیبایی‌شناختی نمادهای طبیعی می‌تواند ابعاد تازه‌ای از شیوه بیان قرآنی و تأثیر آن بر مخاطب را آشکار سازد.بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش نمادهای طبیعی در تفسیر زیبایی‌شناختی سوره الرحمن بر پایه نظریه تصویرسازی هنری سید قطب انجام شده است. روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی است و با تکیه بر آثار تفسیری و ادبی سید قطب، به تحلیل آیات منتخب سوره الرحمن می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نمادهای طبیعی این سوره در چهار مؤلفه «تصویر بصری»، «تصویر حسی چندبعدی»، «پویایی و حرکت» و «تشخیص و جان‌بخشی» قابل تبیین‌اند. این مؤلفه‌ها با تبدیل عناصر طبیعی به صحنه‌هایی زنده و پویا، مخاطب را از سطح دریافت مفهومی به تجربه‌ای ادراکی و عاطفی سوق می‌دهند و رحمت و قدرت الهی را نه در قالب گزاره‌های انتزاعی، بلکه به‌صورت تجربه‌ای محسوس و زیبایی‌شناختی متجلی می‌سازند.

کلید واژه ها:

سید قطب، تصویرسازی هنری، نمادهای طبیعی، سوره الرحمن، زیبایی‌شناسی قرآن.

مقدمه

زیبایی‌شناسی در حوزه ادبیات شامل: نیکویی، شکوه،برجستگی، تناسب، دقت در نظم و ترتیب چینش صفات زیبا در شکل، مضمون، وظیفه وهدف است.(جمعه، ۲۰۰۵ م: ۴۴). و در مطالعات قرآنی به معنای شناخت سازوکارهای هنری متن، شیوه خلق تأثیرات زیبایی‌شناختی، و نحوه پیوند میان تصویر، معنا و عاطفه است. ویکی از میدان‌های نوظهور در پژوهش‌های اسلامی و ادبی است.

قرآن کریم افزون بر جایگاه حیانی و هدایتی خود، واجد ساختاری ادبی و هنری است که همواره توجه مفسران، ادیبان و پژوهشگران را به سوی خود جلب کرده است. تحلیل ادبی قرآن، به‌ویژه در قالب رویکرد زیبایی‌شناختی، امکانی فراهم می‌آورد تا متن وحی نه فقط به‌عنوان منبع احکام و عقاید، بلکه به‌مثابه متنی هنری با ظرفیت‌های گستردهٔ بلاغی، تصویری و موسیقایی مطالعه شود. سوره الرحمن در میان سُوَر قرآن از برجسته‌ترین نمونه‌هایی است که ظرفیت بالایی برای این نوع مطالعه دارد.

از مهم‌ترین عرصه‌های ظهور زیبایی‌شناسی قرآنی، «نمادهای طبیعی» است. طبیعت در قرآن صرفاً موضوع توصیف نیست، بلکه به‌مثابه زبانی نمادین به کار گرفته شده و حامل مفاهیم گسترده‌ای است. عناصر طبیعی ضمن ایجاد تصویرهای حسی، معانی متعالی و الهی را به مخاطب القا می‌کنند.

سوره الرحمن یکی از درخشان‌ترین سوره‌های قرآن در حوزه تصویرسازی و نمادهای طبیعی است. از آغاز با نامِ «الرحمن» تا پایان، سراسر سوره نقاشی زنده‌ای از جهان هستی است: دریاها، ستارگان، میوه‌ها، گوهرها و باغ‌های سرسبز، همه در قالب الفاظی موزون و آهنگین تجلی یافته‌اند.این سوره، " عروس قرآن " نام گرفته است که این عنوان، زیبایی بسیار زیاد این سوره را بیان می کند ومحققان و اندیشمندان را برآن داشته است که این سوره را از دیدگاه زیبایی شناختی بررسی کنند(رضوان، هادی. زرین پور، داوود، ۱۳۹۰: ص ۵۸

سید قطب، اندیشمند و مفسر معاصر مصری، از نخستین کسانی است که قرآن را از منظر هنری و ادبی مورد واکاوی قرار داد. از دید او، عناصر طبیعی در قرآن حامل معناهای روحی‌اند؛ هر تصویر از طبیعت، نماد جلوه‌ای از جمال و رحمت الهی است که انسان را به تفکر وشکر فرامی خواند. طبیعت در این سوره حضور زنده دارد و واژگان به تصویر تبدیل می‌شوند وهر تصویر طبیعی، نماد رحمت است. بدین ترتیب، سورهٔ الرحمن در تفسیر ادبی سید قطب نه صرفاً بیان نعمت‌ها، بلکه نقاشی زنده‌ای از رحمت الهی و هماهنگی هستی است.

از این رو، ضرورت پژوهش حاضر براین امر است تا نشان دهد نمادهای طبیعی چگونه حامل بار زیبایی‌شناختی هستند و چگونه این زیبایی در ساختار و موسیقی کلام جلوه می‌کند. بررسی این سوره از منظر تفاسیر ادبی معاصر، نه‌تنها درک تازه‌ای از زیباشناسی قرآن ارائه می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد، تکرار، تصویر، و طبیعت چگونه به ابزارهای هنری الهی بدل می‌شوند. در این مسیر، تفسیر سید قطب الگویی از پیوند میان معنویت و هنر قرآنی به دست می‌دهد.

ازین رو، این پژوهش در پی پاسخگویی به سوالات زیر می باشد :

نمادهای طبیعی در سوره الرحمن بر اساس دیدگاه تصویرسازی هنری سید قطب، چگونه به تجلی رحمت و قدرت الهی تبدیل می‌شوند و این شیوه بازنمایی چه نقشی در شکل‌گیری تجربه زیبایی‌شناختی مخاطب دارد؟

۱-۱ پیشینه تحقیق

در زمینه زیباشناسی قرآن کریم، «سوره الرحمن از جمله سوره‌هایی است که به دلیل ساختار موسیقایی خاص، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. مطالعات پیشین عمدتاً بر تفسیر موضوعی، بلاغت و ساختار نحوی این سوره متمرکز بوده‌اند، اما تحلیل زیبایی‌شناختی نمادهای طبیعی در آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است «.

در ادامه به بررسی کتاب ها ومقالات مرتبط با پژوهش مورد نظر می پردازیم:

۱- "التصویر الفنی فی القرآن" که توسط سید قطب ودر انتشارات دار الشروق بیروت(لبنان، ۱۹۹۵ م) نگاشته شده و توسط محمدعلی عابدی در تهران، مرکز نشر انقلاب ترجمه شده است.

این کتاب به معرفی یکی از جوانب اعجاز ادبی قرآن کریم که تصویر فنی یعنی نمایش هنری نام گرفته است می پردازد. و با ارائه مثال هایی از آیات قرآن زیبایی های آن را در برابر چشم مخاطب قرار می دهد.

۲- درکتاب دیگر خود به نام " فی ضلال القرآن" که درانتشارات انقلاب اسلامی(۱۳۹۸) توسط رهبرعزیزمان " شهید آیت الله سید علی حسینی خامنه ای" به فارسی ترجمه شده است، زیبایی های لفظی و معنوی قرآن کریم را بررسی کرده و به تناسب آیه ها با یکدیگر و به برخی از مصادیق معاصر آیات پرداخته است و از دوازده بخش تشکیل شده است نویسنده داستان های موجود در قرآن را به زیباترین شکل درک کرده و این کتاب را نوشته در این کتاب بیش از اینکه بخواهد آیات قرآن را تفسیر کند به نحوه بیان الهی و زیبایی های معنوی آن پرداخته است.

۳- " مقارنه تصویری آیات آلاء الرحمن" قرآن کریم با نظریه تصویر پردازی سید قطب" عنوان پژوهشی ست که خانم موسوی لر، و خانم یاقوتی، در زمینه هنر و معماری، در نشریه مطالعات هنراسلامی، شماره۱۹،ص ۲۰تا۲۴،سال (۱۳۹۲) به رشته ی تحریر درآوردند، ودر آن به تبیین مولفه های نظریه هنری سید قطب و توصیف ارزش های هنری وتصویری ملموس قرآن و مفاهیم ذهنی آن می پردازند. وهمینطور به بحث درباره ی تصویر هنری و زیبایی شناسی آیات پرداخته و به طور خاص در آن به بررسی نظریه سید قطب در باب تصویر پردازی هنری و تطبیق آن با آیات سوره الرحمن تمرکز کرده است.

۴- خانم شریفی وآقای فواد پژوهشی تحت عنوان " تحلیل نشانه شناسی گفتمانی سوره الرحمن مبتنی بر الگوی تنشی" رابه نگارش درآورده اند که در رشته، علوم قرآن و حدیث، در نشریه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۵ وص ۴۷تا ۷۲ (۱۳۹۳) منتشر شده است. در این پژوهش به ذکر کلیات زبان قرآن، بیان سیما و ویژگی های

سوره الرحمن از منظر پژوهش های مفسران و علما پرداخته است سپس به تحلیل محورهای تنشی متن سوره در دو سطح جزئی آیات و کلی سوره، با روش تحلیل نشانه شناختی گفتمانی می پردازد و در نهایت تاثیرات انگیزشی و معرفتی متن بر مخاطب بیان می شود.

۵- نیکوکلام عظیم در پژوهشی تحت عنوان " نوآوری سید قطب در زیبا شناسی بیانی قرآن کریم" که در مجله تفسیر پژوهی، شماره ۲۱، ص ۳۸۴ تا۴۱۰، (۱۴۰۳)، منتشر شده است، ابتدا سیر تاریخی درک زیبایی های قرآن کریم در سه مرحله: درک فطری، درک پراکنده زیبایی ها و درک قواعد فراگیر را مطرح کرده، سپس دیدگاه های قبل از سید قطب به این موضوع را بررسی نموده، ودرنهایت وجوه تمایز نگاه سید قطب در مقایسه با دیگر ادبا، در چند نمونه قرآنی را تطبیق داده است.

با توجه به پیشینه های قبلی، تاکنون تحلیلی جامع و مستقل باعنوان" نقش نمادهای طبیعی در تفسیر سوره الرحمن بر اساس دیدگاه سید قطب،صورت نگرفته است«.

»بنابراین، این پژوهش با هدف پر کردن خلأ موجود در تحلیل زیبایی‌شناختی نمادهای طبیعی در سوره الرحمن، و با تکیه بر رویکرد ادبی سید قطب، به بررسی چگونگی بازنمایی عناصر طبیعی و نقش آن‌ها در تجربه زیبایی‌شناختی مخاطب می‌پردازد.

۲- تصویر سازی هنری در اندیشه سیدقطب

یکی از ویژگی های قرآن کریم تصاویر زنده، مجسم و شگفت انگیزی هستند که با خواننده قرآن سخن می گویند و گویی مخاطب به جای آنکه خواننده باشد بیننده است. اثری که تصویر هنری بر دلهای مخاطبان میگذارد غیر قابل انکار است و قرآن با استفاده از خلق صحنه های زنده و مجسم تابلوهایی زیبا و جذابی را به نمایش می گذارد.(کریمی، ۱۳۹۸: ۱۵). سید قطب در کتاب خویش تصویر پردازی را یکی از مهمترین رویکردهای تحلیلی

قرآن به شمار آورده و عقیده دارد که کل اسلوب قرآن به جز آیات تشریع بر اساس تصویر است و این اسلوب تصویری از اعجاز قرآن است.(سید قطب، ۱۴۱۵ ق :۷) بنابراین تصویر سازی در قرآن ابزاری برتر است زیرا قرآن با تصویر حسی خیالی معانی ذهنی و رخدادها و صحنه های دیدنی و آرمانهای انسانی و طبیعت انسانی را بیان مینماید و بدین ترتیب معانی و مضامین ذهنی شکل و حرکت پیدا میکنند و حالتهای روانی تبدیل به تابلو و یا صحنه میشود و داستانها و مناظر همه نمایان میشود.

قرآن کریم با اسلوب و هنر تصویر پردازی به مدد مؤلفه ها و عناصر تصویری متعددی، معارف ژرف و عمیق خویش را در حد فهم بشر عرضه داشته و معانی و مفاهیم انتزاعی و حالات روحی و درونی انسانها را برای آنها محسوس و قابل درک نموده است. سید قطب عناصری مانند ،رنگ ،صدا ،حرکت گفتگو تجسیم تشخیص و حواس را از مهمترین مؤلفه های تصویر پردازی در قرآن میدانست.(سید قطب ،۱۴۱۵ق : ۷) اما برخی از محققین اندیشه دینی واقعیت خیال عاطفه ،زبان ریتم و آهنگ را از مؤلفه ها و عناصر مهم تصویر در قرآن بر می شمارند.(سیدی، ۱۳۸۷ :۱۰۸) برخی دیگر عقیده دارند که تصویر قرآنی از شیوه ها و عناصر مختلفی مانند توصیف تشبیه کنایه مجاز و فاصله مدد می گیرد و بر پایه تجسیم و تشخیص و تخیل استوار است.(قاسمی، ۱۳۸۶: ۷۴). سید قطب درک و تحلیل اعجاز هنری قرآن را جنبه مکشوف دوره جدید می دانست و بر همین اساس با هدف به نمایش گذاشتن و تشریح اعجاز هنری در قرآن به نگارش سلسله مقالاتی پرداخت که بعدها آن را به عنوان التصویر الفنی فی القرآن منتشر کرد. به نظر سید قطب، تصویر آفرینی های هنرمندانه در بسیاری از آیات قرآن کریم مشهود است و این کتاب از این جهت معجزه است؛ چرا که با مشتی الفاظ ساده و قابل درک برای عموم تصاویری بدیع، آفریده که بر روح و روان مخاطب تأثیر عمیق می گذارد (قاضی زاده، ۱۳۸۹:۱۳۷.

قطب معتقد است. (سید قطب، ۱۴۱۵: ۹). تصویرسازی هنری قرآن، قوه خیال مخاطب را برمی‌انگیزد، حس شگفتی و تعجب ایجاد می‌کند و انسان را از غفلت به تأمل، شکرگزاری و حرکت به سوی عمل صالح وامی‌دارد. در

واقع، آنچه این رویکرد را از سایر تفاسیر ادبی متمایز می‌سازد، تأکید بر جنبه تربیتی-حرکتی آن است؛ تفسیری که در سایه قرآن، انسان معاصر را به بازسازی فرد و جامعه دعوت می‌کند.

۲-۱ تصویر بصری

تصویر در لغت عبارت است از نماد بصری هر چیز و آنچه که حاصل خیال است . تصویر بصری، گونه‌ای از تصویر هنری است که از طریق برانگیختن حس بینایی و قوه تخیل، معانی و مفاهیم را در قالب صحنه‌ها و مشاهد قابل رؤیت و مجسم ارائه می‌کند. در این نوع تصویر، مخاطب به‌جای دریافت صرفِ مفاهیم انتزاعی، با منظره‌ای محسوس و دیدنی روبه‌رو می‌شود و معنا را همچون صحنه‌ای عینی در ذهن خود مشاهده می‌کند. ازاین‌رو، تصویر بصری را می‌توان فرایند تبدیل مفاهیم ذهنی به مشاهد دیداری دانست که از رهگذر آن، تجربه ادراکی مخاطب از سطح فهم عقلی به مرتبه مشاهده تخیلی ارتقا می‌یابد. رهبر شهید در تبیین ویژگی زبان هنر می فرمایند:

هر پیامی هر دعوتی هر انقلابی و هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود نفوذ و گسترش ندارد. هنر مقصدش انتقال و بیان زیبایی ها و مایه انبساط و تفرج روح و روان است.. هنر ابزار است ؛ اگر چه هنرمند به آن مبتهج است و جزء جان اوست ؛ اما برای هدفی است که ریشه در وجود انسان دارد.(خوشرو ۱۳۷۴، : ۳۱.)

سوره الرحمن از منظر تصویر بصری، از غنی‌ترین سوره‌های قرآن به شمار می‌رود؛ زیرا بخش مهمی از پیام خود را از طریق صحنه‌های طبیعی، تصاویر کیهانی و مناظر بهشتی منتقل می‌سازد. در این سوره، دریاهای به‌هم رسیده، آسمان شکافته، باغ‌های سرسبز و شاخه‌های گسترده درختان، همگی به‌صورت مشاهدی عینی و قابل رؤیت عرضه شده‌اند. ازاین‌رو، تصویر بصری را می‌توان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحلیل زیبایی‌شناختی نمادهای طبیعی در سوره الرحمن دانست؛ زیرا این سوره بیش از آنکه معانی را گزارش کند، آنها را به نمایش می‌گذارد و مخاطب را در برابر صحنه‌هایی زنده و دیدنی قرار می‌دهد.

راغب در تبیین صورت می آورد؛ صورت آن چیزی است که اجسام و اعیان با آن نقش بندی و شکل بندی و با آن شکل از هم متمایز می شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج یک : ۴۷۹). دهخدا نیز در تعریفی مشابه می آورد: «تصویر» در لغت به معنای صو رت و شکل قرار دادن برای چیزی یا نقش کردن و رسم نمودن چیزی است. (دهخدا، ۱۳۷۳ : ج چهار ۵۹۳۳). بنابراین، یکی از بنیادی‌ترین جلوه‌های تصویرسازی هنری در اندیشه سید قطب، ایجاد تصاویر دیداری و مناظر مجسمی است که مخاطب آنها را نه صرفاً در سطح ذهن، بلکه در مقام مشاهده و رؤیت ادراک می‌کند.

هنر تجلی و تبلور زیباگونه و عینی احساسات و اندیشه های درونی آدمی است که با ابزار متناسب انجام می پذیرد. (نصیری، ۱۳۸۷: صص ۲۲، ۲۳، ۲۴

﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ۝ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾ الرحمن: ۲۰-۱۹

دو دریا را روان ساخت تا به یکدیگر برسند؛ در میان آن دو، مانعی است که از حد خود تجاوز نمی‌کنند.

سوره الرحمن در این آیات، به‌جای بیان گزاره‌ای علمی یا خبری درباره نظام آفرینش، مخاطب را در برابر صحنه‌ای طبیعی و قابل مشاهده قرار می‌دهد. آیه از همان آغاز، مخاطب را به تماشای دو دریای جاری فرا می‌خواند که در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند، اما با وجود این هم‌جواری، مرزی نامرئی میان آنها برقرار است. نخستین عنصر زیبایی‌شناختی این آیات، «رؤیت‌پذیری» صحنه است. قرآن نمی‌گوید خداوند میان آب‌ها تعادل برقرار کرده است، بلکه دو دریای در حال حرکت را به تصویر می‌کشد که به یکدیگر نزدیک می‌شوند: «يَلْتَقِيَانِ». کاربرد فعل مضارع، صحنه را از حالت ایستا خارج کرده و آن را به منظره‌ای دائماً در حال وقوع تبدیل می‌کند؛ گویی مخاطب اکنون و در همین لحظه، جریان و تلاقی دو دریا را مشاهده می‌کند .

عنصر دوم، «رمزآلودگی بصری» تصویر است. در برابر چشم مخاطب، دو دریا به هم می‌رسند؛ اما میان آنها «برزخ» یا مرزی نامرئی وجود دارد. این مرز قابل مشاهده مستقیم نیست، اما آثار آن دیده می‌شود. از این‌رو، تصویر قرآنی

از سطح مشاهده صرف فراتر می‌رود و تخیل مخاطب را نیز درگیر می‌کند. مخاطب در عین مشاهده صحنه، می‌کوشد مرزی را تصور کند که حضورش محسوس، اما رؤیتش ناممکن است. این تلفیق مشاهده و تخیل، از مهم‌ترین ویژگی‌های تصویرسازی هنری قرآن در اندیشه سید قطب به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، در این صحنه طبیعی، عناصر هستی همچون موجوداتی منظم و فرمان‌بردار ظاهر می‌شوند. دو دریا با وجود عظمت و پویایی، از حدود تعیین‌شده فراتر نمی‌روند: «لَا يَبْغِيَانِ». بدین ترتیب، تصویر طبیعی به نمادی از نظم، تعادل و حاکمیت اراده الهی تبدیل می‌شود. ریشه تعادل از عدل است و عدل یعنی تقسیط، به گونه ای مساوی و برابر. (راغب ، ۱۳۸۷: ۵۰۲) در حقیقت، قرآن به‌جای استدلال عقلی درباره تدبیر الهی، مخاطب را به مشاهده یک صحنه عینی دعوت می‌کند و از طریق تجربه دیداری، احساس شگفتی و تأمل را در او برمی‌انگیزد ..

بنابراین، زیبایی این تصویر در آن است که از رهگذر یک منظره طبیعیِ کاملاً دیدنی، حقیقتی فراتر از طبیعت را آشکار می‌سازد. مخاطب نه‌تنها دو دریا را می‌بیند، بلکه نظم، هماهنگی و حکمت حاکم بر جهان را نیز در قالب یک تصویر زنده و مجسم تجربه می‌کند .

﴿فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾ (الرحمن: ۳۷)

آنگاه که آسمان شکافته شود و همچون گلی سرخ‌فام و مذاب درآید.

سوره الرحمن در این آیه، به‌جای توصیف مستقیم رویداد قیامت، مخاطب را در برابر صحنه‌ای عظیم و دیدنی قرار می‌دهد. عنصر اصلی آیه، نمایش دگرگونی آسمان در قالب تصویری است که پیش از آن، ذهن مخاطب با چنین صحنه‌ای مواجه نشده است.

زیبایی این تصویر، نخست در «غافلگیری بصری» آن نهفته است. آسمان در تجربه عادی انسان، نماد ثبات، گستردگی و آرامش است؛ اما آیه این تصور تثبیت‌شده را فرومی‌ریزد و آسمان را در حال دگرگونی به نمایش می‌گذارد. بدین‌ترتیب، مخاطب با صحنه‌ای مواجه می‌شود که در عین شگفتی، قدرت تخیل او را نیز برمی‌انگیزد.

دومین وجه زیبایی، در رنگ‌آمیزی تصویر آشکار می‌شود. تشبیه آسمان به گل سرخ‌فام، صحنه را از یک گزارش خبری به یک منظره دیدنی تبدیل می‌کند. رنگ سرخ، شدت، هیجان و دگرگونی را القا می‌کند و سبب می‌شود مخاطب به‌جای دریافت مفهومی انتزاعی از قیامت، آن را در قالب تصویری زنده و ملموس تجربه کند.

وجه دیگر زیبایی آیه، تبدیل یک حقیقت فراتر از تجربه انسانی به یک منظره قابل مشاهده است. سید قطب در تبیین شیوه بیان قرآن، بر این نکته تأکید می‌کند که قرآن غالباً معانی را به صورت صحنه‌های دیدنی عرضه می‌کند تا مخاطب آن‌ها را نه فقط در سطح فهم عقلی، بلکه در سطح مشاهده و تجربه ادراکی دریافت کند. این آیه نیز نمونه‌ای روشن از همین شیوه است؛ زیرا حادثه‌ای غیبی را به تصویری تبدیل می‌کند که قابلیت رؤیت و تخیل دارد.

ازاین‌رو، ارزش زیبایی‌شناختی آیه در آن است که از طریق دگرگون ساختن یک عنصر آشنا، تصویری نو، شگفت و سرشار از تأثیر عاطفی می‌آفریند و مخاطب را در برابر منظره‌ای قرار می‌دهد که هم چشم را درگیر می‌کند و هم تخیل را به حرکت درمی‌آورد.

﴿ذَوَاتَا أَفْنَانٍ﴾ (الرحمن: ۴۸)

آن دو باغ، دارای شاخه‌های فراوان و گسترده‌اند.

سوره الرحمن هنگام توصیف بهشت، از بیان کلی و انتزاعی نعمت‌ها پرهیز می‌کند و به‌جای آن، مخاطب را در برابر منظره‌ای دیدنی قرار می‌دهد. آیه با کوتاه‌ترین بیان، تصویری سرشار از سرسبزی، گستردگی و طراوت می‌آفریند.

زیبایی این آیه پیش از هر چیز در «اقتصاد زبانی و وفور تصویری» آن نهفته است. تنها با اشاره به فراوانی شاخه‌ها، فضایی گسترده از درختان انبوه، سایه‌های درهم‌تنیده و سرسبزی ممتد در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد. مخاطب، به‌جای آنکه صرفاً درباره باغی بهشتی آگاهی پیدا کند، خود را در برابر منظره‌ای می‌بیند که قابلیت مشاهده و تخیل دارد.

وجه دیگر زیبایی آیه در گشودگی و ناتمام‌بودن تصویر است. قرآن جزئیات باغ را مشخص نمی‌کند؛ نه از نوع درختان سخن می‌گوید و نه از اندازه و شکل آنها. این پرهیز از جزئی‌نگری، تخیل مخاطب را فعال می‌کند و به او اجازه می‌دهد تا تصویری متناسب با تجربه زیبایی‌شناختی خویش بسازد. به همین دلیل، تصویر از حالت بسته و محدود خارج می‌شود و در ذهن هر خواننده به‌صورت منظره‌ای زنده و گسترده تداوم می‌یابد.

همچنین عنصر «گستردگی» در این تصویر، احساس فراوانی و بی‌کرانگی را القا می‌کند. شاخه‌های فراوان، تنها یک ویژگی طبیعی نیستند؛ بلکه فضایی مملو از آرامش، سرزندگی و آسایش بصری ایجاد می‌کنند. مخاطب در برابر منظره‌ای قرار می‌گیرد که نگاه را خسته نمی‌کند، بلکه آن را به گردش در فضای باغ فرامی‌خواند. از این‌رو، تجربه زیبایی در این آیه نه حاصل توصیف مستقیم نعمت، بلکه نتیجه مشارکت مخاطب در تماشای منظره‌ای دیدنی و سرشار از طراوت است.

بر اساس نگاه سید قطب، ارزش هنری چنین تصویری در آن است که معنا به‌جای بیان انتزاعی، در هیئت منظره‌ای قابل مشاهده و تجربه‌پذیر عرضه می‌شود .

2_1_1 تصویر حسی و چند بعدی

در رویکرد ادبی-هنری سید قطب، نمادهای طبیعی جایگاه محوری و برجسته‌ای دارند. او طبیعت را نه مجموعه‌ای از پدیده‌های بی‌روح، بلکه موجودی زنده، آگاه و فعال می‌بیند که در حال تسبیح، سجده و اطاعت از خداوند است. نمادهای طبیعی ابزارهایی برای تجسیم معانی انتزاعی رحمانیت، تعادل و باروری الهی به شمار می‌روند .

قطب این نمادها را بخشی از «تصویرسازی حسی» می‌داند که معانی را به صور متحرک تبدیل می‌کنند. در نگاه او، طبیعت شاهد زنده‌ای است که هماهنگی کامل هستی با اراده الهی را نشان می‌دهد و انسان را به پیوستن به این تسبیح همگانی دعوت می‌کند. این نمادها حس حرکت، رنگ، عطر، نظم و زیبایی را القا می‌کنند و مخاطب را در موقعیتی عاطفی قرار می‌دهند تا رحمت خدا را «احساس» کند، نه فقط «بداند». قطب معتقد است، این

جایگاه، نمادهای طبیعی را به پلی بین جهان هستی و قلب انسان تبدیل می‌کند و غفلت مدرن از طبیعت را نقد می‌نماید. از دیدگاه وی، تصویر قرآنی صرفاً به نمایش یک منظره محدود نمی‌شود، بلکه با برانگیختن حواس و تخیل، مخاطب را در فضای عاطفی و ادراکی آیات وارد می‌کند. بدین‌ترتیب، عنصر «حسی‌سازی» را می‌توان یکی از ارکان بنیادین تصویرسازی هنری در اندیشه سید قطب به شمار آورد.

در سده اخیر برخی از قرآن پژوهان مانند مصطفی صادق الرافعی در جزء دوم کتاب تاریخ آداب العرب که آن را به القرآن و البلاغه النبویه اختصاص داده همچنین آیت الله محمود طالقانی در کتاب تفسیر پرتوی از قرآن و دیگر پژوهش گرانی مانند امین خولی و بکری امین، که با دیده ادبی به قرآن کریم مینگریستند و تمام این پژوهشها در نهایت منجر به ارائه نظریه ای به نام «تصویر هنری در قرآن توسط سید قطب گردید. (قاضی زاده، ۱۳۸۹ : ص ۱۳۳ و ۱۳۴) سید قطب دو سال پس از انتشار کتاب التصویر الفنی فی القرآن در سال ۱۹۴۷ کتاب دومش یعنی مشاهد القیامه فی القرآن را منتشر کرد این کتاب شامل مناظر حسی و مادی نعمتها در بهشت و مناظر حسی و مادی عذاب در جهنم است. (خالدی ، ۱۹۹۹: ۲۷۱ و ۲۷۲) در مقدمه این کتاب در بیان همین قضیه میگوید من بر این باور هستم که در این کتاب و نیز کتاب پیشین (التصویر الفنی) و در دیگر مطالب مرتبط با این موضوع کاری جز این نکرده ام که دیگر بار قرآن را بر احساس مسلمانان در این زمانه عرضه دارم چنان که عربها برای نخستین بار آن را شنیدند و خواندند و همگی مفتون آن شدند.(مشاهد القیامه، ۲۰۰۶ : ۸-۱)

﴿وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ﴾ (الرحمن: ۱۲)

و دانه‌های دارای برگ و کاه، و گیاهان خوشبو]را پدید آورد

این آیه از نمونه‌های برجسته تصویر حسی چندبعدی در سوره الرحمن است. قرآن در اینجا به بیان کلی نعمت‌های الهی بسنده نمی‌کند، بلکه با به‌کارگیری عناصر طبیعیِ ملموس و آشنا، فضایی سرشار از طراوت، برکت و زندگی

می‌آفریند. مخاطب با شنیدن این آیه، تنها معنای روزی و نعمت را درنمی‌یابد، بلکه آن را از طریق حواس مختلف تجربه می‌کند.

از منظر تصویرسازی هنری سید قطب، ویژگی ممتاز بیان قرآنی آن است که مفاهیم انتزاعی را در قالب صحنه‌هایی محسوس و قابل تجربه عرضه می‌کند. در این آیه نیز «رزق» و «رحمت الهی» به‌صورت مفاهیمی ذهنی و انتزاعی بیان نمی‌شوند، بلکه در قالب دانه‌ها و گیاهان خوشبو تجسم می‌یابند و در نتیجه، مخاطب پیش از آنکه درباره نعمت الهی بیندیشد، آن را احساس می‌کند.

نخستین لایه این تصویر، حس بینایی است. دانه‌های رسیده و گیاهان سرسبز، منظره‌ای از رویش، فراوانی و برکت را در ذهن مخاطب ترسیم می‌کنند. مخاطب گویی کشتزاری گسترده را مشاهده می‌کند که در آن، خوشه‌های دانه و گیاهان تازه، نشانه‌های آشکار حیات و باروری‌اند. این تصویر دیداری، احساس سرزندگی و امید را در ذهن برمی‌انگیزد.

لایه دوم، حس بویایی است که در این آیه جایگاه ویژه‌ای دارد. اشاره به گیاهان خوشبو، فضای تصویر را از سطح دیداری فراتر می‌برد و مخاطب را به تجربه‌ای عمیق‌تر وارد می‌کند. رایحه خوش گیاهان، احساس تازگی، آرامش و لطافت را تداعی می‌کند و صحنه‌ای می‌آفریند که گویی مخاطب نه‌تنها آن را می‌بیند، بلکه در فضای معطر آن حضور یافته است. این برانگیختن حس بویایی از ویژگی‌های مهم تصویر حسی در قرآن است؛ زیرا بو بیش از بسیاری از حواس، با احساس آرامش و خاطره‌های عاطفی پیوند دارد.

در مرتبه‌ای دیگر، آیه حس لامسه را نیز به‌طور ضمنی فعال می‌کند. تصور برگ‌های تازه و گیاهان نرم و لطیف، احساس طراوت و تازگی را به ذهن منتقل می‌سازد. بدین‌سان، تصویر قرآنی به تجربه‌ای چندحسی تبدیل می‌شود که هم‌زمان دیدن، بوییدن و احساس کردن را در بر می‌گیرد.

از منظر زیبایی‌شناختی، ارزش هنری آیه در آن است که نعمت الهی را در هیئت صحنه‌ای زنده و سرشار از حیات عرضه می‌کند. دانه‌ها و گیاهان خوشبو تنها محصولات طبیعی نیستند، بلکه نشانه‌هایی از رحمت، رزاقیت و بخشش دائمی خداوندند. این تصویر، مخاطب را از دریافت عقلانی نعمت فراتر می‌برد و او را در تجربه‌ای حسی و عاطفی مشارکت می‌دهد؛ تجربه‌ای که در آن، رحمت الهی نه به‌صورت مفهومی انتزاعی، بلکه در قالب طراوت زمین، سرسبزی گیاهان و رایحه دل‌انگیز آنها ادراک می‌شود.

﴿مُدْهَامَّتَانِ﴾ (الرحمن: ۶۴)

آن دو باغ، سبزیِ بسیار تیره و انبوه دارند.

در توصیف نعمت‌های بهشتی، سوره الرحمن به بیان کلیِ سرسبزی باغ‌ها بسنده نمی‌کند، بلکه با انتخاب واژه‌ای بسیار فشرده و تصویری، مخاطب را در برابر منظره‌ای قرار می‌دهد که علاوه بر دیده شدن، احساس طراوت و سرزندگی را نیز برمی‌انگیزد. از همین‌رو، آیه فراتر از یک توصیف دیداری، به تجربه‌ای حسی تبدیل می‌شود.

نخستین جنبه زیبایی آیه، در شدت و غنای رنگ نهفته است. آیه از سبزی معمولی سخن نمی‌گوید، بلکه سبزی عمیق و انبوه را تصویر می‌کند. این غلظت رنگ، چشم مخاطب را به منظره‌ای سرشار از زندگی و تازگی هدایت می‌کند و در ذهن او فضایی سرسبز، خنک و پرطراوت می‌آفریند.

زیبایی دیگر آیه در آن است که رنگ، تنها یک ویژگی دیداری باقی نمی‌ماند، بلکه به احساسی درونی تبدیل می‌شود. مخاطب در برابر این منظره، صرفاً سبزی را مشاهده نمی‌کند، بلکه نوعی آرامش، سکون و آسایش را نیز تجربه می‌کند. به همین دلیل، تصویر از سطح مشاهده فراتر می‌رود و به یک تجربه حسی و عاطفی بدل می‌شود.

جنبه مهم دیگر، ایجاز آیه است. تنها یک واژه، منظره‌ای گسترده از باغ‌های انبوه، سایه‌های فراگیر و طراوت دائمی را در ذهن می‌آفریند. این فشردگی زبانی و گسترش تخیل، بر ارزش هنری تصویر می‌افزاید؛ زیرا خواننده ناچار

می‌شود خود در تکمیل صحنه مشارکت کند و از رهگذر این مشارکت، تجربه زیبایی‌شناختی عمیق‌تری به دست آورد.

ارزش هنری چنین تصویری در آن است که معنا به تجربه‌ای قابل احساس تبدیل می‌شود. بهشت در این آیه، یک مفهوم ذهنی و انتزاعی نیست، بلکه فضایی است که مخاطب می‌تواند طراوت و آرامش آن را در ساحت ادراک حسی خویش تجربه کند. ازاین‌رو، «مُدْهَامَّتَانِ» نمونه‌ای برجسته از تصویر حسی چندبعدی در سوره الرحمن است؛ زیرا هم‌زمان حس بینایی، احساس آرامش و تجربه درونی طراوت را برمی‌انگیزد.

﴿فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ﴾ (الرحمن: ۶۸)

در آن دو باغ، میوه‌ها و درختان خرما و انار وجود دارد.

این آیه، به‌جای توصیف کلیِ نعمت‌های بهشتی، از عناصر ملموس و آشنای طبیعت بهره می‌گیرد. انتخاب میوه، خرما و انار، تصویر بهشت را از یک مفهوم دور و انتزاعی به تجربه‌ای نزدیک، آشنا و قابل احساس تبدیل می‌کند.

تقریباً هر مخاطبی تجربه دیدن، چشیدن یا لمس میوه را در حافظه حسی خود دارد. آیه با فراخوانی همین تجربه‌های پیشین، بهشت را از قلمرو ناشناخته و دوردست خارج می‌کند و آن را به فضایی ملموس و تجربه‌پذیر تبدیل می‌سازد.

دومین جنبه زیبایی، در هم‌زمانی حواس نهفته است. ذکر میوه‌ها تنها حس بینایی را فعال نمی‌کند؛ بلکه خاطره طعم، شیرینی، تازگی و لذت را نیز در ذهن مخاطب زنده می‌سازد. به این ترتیب، خواننده فقط باغی را مشاهده نمی‌کند، بلکه به‌گونه‌ای در تجربه حسی آن سهیم می‌شود.

زیبایی دیگر آیه در انتخاب عناصر طبیعی مشخص است. به‌جای واژه‌های کلی و انتزاعی، از مصادیق عینی و آشنا استفاده شده است. این عینیت‌بخشی، فاصله میان متن و مخاطب را کاهش می‌دهد و موجب می‌شود تجربه زیبایی‌شناختی آیه بر پایه ادراک مستقیم و احساس درونی شکل گیرد.

از منظر سید قطب، یکی از ویژگی‌های تصویر هنری قرآن آن است که مخاطب را از سطح فهم صرف، به سطح مشارکت ادراکی و وجدانی منتقل می‌کند. این آیه نیز دقیقاً چنین کارکردی دارد؛ زیرا نعمت بهشتی را نه در قالب گزارشی ذهنی، بلکه در قالب تجربه‌ای حسی و قابل ادراک عرضه می‌کند. بنابراین، ارزش زیبایی‌شناختی آیه در آن است که از طریق برانگیختن هم‌زمان چندین لایه ادراکی، تجربه‌ای زنده، نزدیک و ملموس از بهشت می‌آفرینند.

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ﴾ (الرحمن: ۵۰)

در آن دو باغ، دو چشمه روان است.

این آیه از روشن‌ترین نمونه‌های تصویر حسی در سوره الرحمن است. قرآن به‌جای آنکه نعمت‌های بهشتی را به‌صورت مفاهیمی کلی و انتزاعی بیان کند، با تصویر دو چشمه روان، مخاطب را در برابر صحنه‌ای قرار می‌دهد که هم‌زمان چندین لایه از ادراک حسی را فعال می‌کند. بدین‌سان، نعمت الهی از سطح دانستن فراتر می‌رود و به تجربه‌ای ملموس و قابل احساس تبدیل می‌شود.

از منظر سید قطب، ویژگی ممتاز تصویر هنری قرآن در آن است که معانی را در قالب صحنه‌هایی زنده و محسوس عرضه می‌کند و میان مخاطب و مضمون آیات نوعی مشارکت حسی و عاطفی پدید می‌آورد. آیه «فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ» نمونه‌ای روشن از این شیوه بیان است؛ زیرا مخاطب صرفاً از وجود چشمه‌ها آگاه نمی‌شود، بلکه خود را در فضای این تصویر احساس می‌کند.

نخستین لایه این تصویر، حس بینایی است. تعبیر «دو چشمه روان» منظره‌ای از آب زلال و جاری را در ذهن مخاطب مجسم می‌سازد. در برابر چشم خیال، دو چشمه در میان باغ‌های بهشتی جریان دارند و جلوه‌ای از طراوت، سرسبزی و حیات را پدید می‌آورند. آب در فرهنگ انسانی همواره با زندگی، تازگی و آرامش پیوند خورده است؛ ازاین‌رو، مشاهده ذهنی این صحنه، تجربه‌ای دلپذیر و آرامش‌بخش ایجاد می‌کند.

لایه دوم، حس شنوایی است. هرچند آیه مستقیماً از صدا سخن نمی‌گوید، اما جریان آب به‌طور طبیعی تداعی‌کننده آهنگ نرم و پیوسته چشمه‌هاست. بدین‌ترتیب، تصویر از مرز دیدن فراتر می‌رود و فضای شنیداری خاصی را نیز در ذهن مخاطب پدید می‌آورد. همین پیوند میان دیدن و شنیدن، موجب می‌شود صحنه به‌جای آنکه تصویری ثابت باشد، به تجربه‌ای زنده و جاری تبدیل شود.

در مرتبه‌ای عمیق‌تر، آیه حس لامسه را نیز برمی‌انگیزد. تصور آب روان، احساس خنکی، لطافت و آسودگی را به ذهن منتقل می‌کند. مخاطب گویی نه‌تنها چشمه‌ها را می‌بیند و صدای آنها را می‌شنود، بلکه طراوت و خنکای آنها را نیز احساس می‌کند. بدین‌سان، تصویر قرآنی به تجربه‌ای چندحسی تبدیل می‌شود که تمامی ساحت ادراک مخاطب را درگیر می‌کند.

عنصر اصلی این آیه در تبدیل مفهوم رحمت به تجربه‌ای محسوس نهفته است. رحمت الهی در اینجا در قالب گزاره‌ای نظری بیان نمی‌شود، بلکه در هیئت آب روان و حیات‌بخش تجلی می‌یابد. مخاطب پیش از آنکه درباره رحمت الهی بیندیشد، آن را در قالب طراوت، آرامش و جریان زندگی تجربه می‌کند. ازاین‌رو، تصویر دو چشمه روان تنها توصیف نعمت‌های بهشتی نیست، بلکه تجسم هنری رحمانیت الهی است؛ تجسمی که از طریق برانگیختن هم‌زمان حواس مختلف، مخاطب را از سطح فهم ذهنی به تجربه‌ای ادراکی و عاطفی ارتقا می‌دهد.

2_1_2 پویایی و حرکت

تصویر حسی چندبعدی به گونه‌ای از تصویر هنری اطلاق می‌شود که از طریق برانگیختن هم‌زمان یک یا چند حس انسانی، زمینه ادراک عمیق‌تر معنا را فراهم می‌سازد. در این نوع تصویر، معنا تنها در سطح رؤیت باقی نمی‌ماند، بلکه با فراخوانی تجربه‌های حسی مخاطب، به تجربه‌ای زنده و ملموس تبدیل می‌شود. ازاین‌رو، تصویر حسی را می‌توان فرایند تجسیم معانی از طریق فعال‌سازی ظرفیت‌های ادراکی و حسی انسان دانست؛ فرایندی که موجب می‌شود مخاطب، علاوه بر مشاهده، نوعی مشارکت عاطفی و تجربی با صحنه قرآنی برقرار کند.

استاد معرفت نیز در زمینه زبان تصویری قرآن مینویسد: «تصویر، هنری است که قرآن به وسیله آن تمامی موجودات و مظاهر عالم هستی را به صورت زنده و پویا نمایی ترسیم نموده است. قلم تعابیر قرآن هیچ جمادی را لمس ننموده مگر اینکه به آن حرکت و پویایی بخشیده است؛ توگویی تمامی عالم در تابلوی ترسیم شده قرآن زنده اند و پدیده های هستی همگی در حرکت و جنبش اند و از سکون و رکون خبری نیست. (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۵: ۳۴۳). تصویر در اصطلاح به معنای هر نوع کاربرد زبانی است که از هنجار عادی فراتر رود و اعتلا و درخششی یابد و در ذهن خواننده حرکتی ایجاد کند یا عاطفه ای بر انگیزد یا حیرت زده اش نماید به هر حال اوج بگیرد و گرداگردش هاله ای خیال انگیز ایجاد شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۷(

در سوره الرحمن، تمامی موجودات، در حال سجده، زمین مهیا برای انسان، میوه‌ها و دریاهای تلاقی‌کننده، نه تنها نعمت‌ها را فهرست می‌کنند، بلکه صحنه‌هایی پویا و متحرک می‌سازند که مخاطب را به تأمل در تعادل و زیبایی هستی وامی‌دارند. الرحمن گسترده ترین مفهوم را در میان نام های پروردگار دارد که رحمان اسم خاص، ولی صفت عام دارد، یعنی نامی است که مخصوص خدا، که رحمتش همگان را شامل می شود.(یعقوبی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۹۶). قطب این سوره را نمونه‌ای عالی از تصویرسازی هنری می‌داند که رحمانیت خدا را در نظام کیهانی، خلقت انسان و نعمت‌های دنیوی-اخروی به تصویر می‌کشد. زیبایی های لفظی و معنایی این سوره به عنوان دلیل نامگذاری این سوره به عروس قرآن اعلام شده است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۸: ۱۰) این سوره که خداوند متعال در آن بخشی از نعمتهای بی پایان خود را برای مؤمنان یادآوری کرده، تنها سوره ای است که با یکی از اسم های خداوند متعال آغاز شده است» (ابن عاشور، ۱۹۸۴م :۲۲۹(

هنر به معنای کیاست، فراست و زیرکی است. هنر در واقع به معنی آن درجه از کمال آدمی است که هشیاری و فراست و فضل و دانش را در بردارد و نمود آن صاحب هنر را برتر از دیگران مینماید. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵: ۲۳۵۶) به رغم آنکه مفهوم اصطلاحی هنر بسان مفهوم علم امری بدیهی و شناخته شده برای همگان به نظر میرسد؛ اما نگریستن دقیق تر در مفهوم آن نشان می دهد که هنر از جمله مفاهیم ظریف و دقیقی است که ارائه

ی تعریف و تصویری گویا از آن کاری دشوار است. در تعاریف ذیل برخی از دیدگاهها پیرامون مفهوم هنر ارائه شده است .(مسعودی مقدم ،۱۳۹۴: ص ۱۳۳-۱۳۱). به اعتقاد او، قرآن معانی انتزاعی، حالات نفسانی، مشاهده هستی و حقایق عقیدتی را از طریق تصاویر محسوس، متحرک، زنده و خیال‌انگیز به مخاطب عرضه می‌دارد. این تصاویر نه زینتی، بلکه تربیتی و تحول‌آفرین هستند؛ قوه خیال مخاطب را برمی‌انگیزند، معنا را تجسم می‌بخشند و او را در موقعیتی حسی-عاطفی قرار می‌دهند تا پیام را «ببیند»، «احساس کند» و تحت تأثیر قرار گیرد.

﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ﴾ (الرحمن: ۵)

خورشید و ماه بر پایه حساب و نظمی دقیق در حرکت‌اند.

این آیه، خورشید و ماه را به‌عنوان دو عنصر بزرگ و آشنای طبیعت به تصویر می‌کشد؛ اما آنها را به‌صورت اجرامی ساکن و بی‌تحرک نشان نمی‌دهد. آیه با کوتاه‌ترین بیان، مخاطب را در برابر صحنه‌ای قرار می‌دهد که در آن، حرکت دائمی و نظم مستمرِ جهان هستی به نمایش درمی‌آید.

نخستین جلوه زیبایی این آیه، در احساس «تداوم» نهفته است. خورشید و ماه در تصویر قرآنی، در لحظه‌ای خاص متوقف نشده‌اند، بلکه در حرکتی بی‌پایان و مستمر حضور دارند. این تداوم، به تصویر نوعی حیات و پویایی می‌بخشد و مانع از آن می‌شود که عناصر طبیعت به اشیایی خاموش و ایستا فروکاسته شوند. مخاطب، جهان را در وضعیت جریان و استمرار تجربه می‌کند و همین پویایی، یکی از عوامل اصلی جذابیت هنری آیه است.

دومین جنبه زیبایی، در هماهنگی میان حرکت و نظم آشکار می‌شود. حرکت در این آیه، آشفته، پراکنده یا بی‌قاعده نیست، بلکه از نظمی دقیق و سنجیده برخوردار است. از منظر زیبایی‌شناسی، انسان به‌طور طبیعی از هماهنگی و انتظام لذت می‌برد و میان نظم و احساس زیبایی پیوندی عمیق برقرار می‌کند. آیه نیز دقیقاً از همین ظرفیت بهره می‌گیرد و از رهگذر نمایش حرکتی منظم، نوعی احساس اطمینان، آرامش و انسجام را در مخاطب برمی‌انگیزد.

وجه دیگر زیبایی آیه، در ایجاد حس مشارکت با جهان زنده طبیعت است. خورشید و ماه صرفاً موضوع شناخت عقلانی نیستند؛ بلکه در متن آیه به عناصر فعالی تبدیل می‌شوند که در برابر دیدگان مخاطب در حال کنش‌اند. بدین‌ترتیب، خواننده خود را در برابر کیهانی زنده و پویا احساس می‌کند. این تجربه، فاصله میان انسان و طبیعت را کاهش می‌دهد و او را در متن حرکت عمومی هستی قرار می‌دهد.

افزون بر این، آیه از طریق تقابل ضمنی میان عظمت اجرام آسمانی و نظم آرام حاکم بر حرکت آنها، نوعی شکوه هنری می‌آفریند. خورشید و ماه، به سبب عظمت و تأثیرشان بر زندگی انسان، همواره با احساس هیبت و بزرگی همراه بوده‌اند؛ اما آیه این عظمت را در قالب حرکتی آرام، منظم و مستمر ارائه می‌کند. حاصل این ترکیب، تجربه‌ای زیبایی‌شناختی است که در آن، شکوه و آرامش به‌طور هم‌زمان ادراک می‌شوند.

بر اساس نگاه سید قطب، یکی از ویژگی‌های هنر قرآنی آن است که جهان را در حال وقوع و جریان نشان می‌دهد و مخاطب را از مشاهده اشیای ساکن به مشارکت در صحنه‌ای زنده منتقل می‌کند. در این آیه نیز تأثیر هنری، نه از خود خورشید و ماه، بلکه از مشاهده حرکت هماهنگ و مستمر آنها پدید می‌آید. بنابراین، «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» نمونه‌ای برجسته از «پویایی و حرکت» در سوره الرحمن است؛ زیرا با کمترین بیان، تصویری از جهانی زنده، منظم و در حال تداوم می‌آفریند و از رهگذر این پویایی، تجربه‌ای عمیق از زیبایی و هماهنگی را در ذهن مخاطب شکل می‌دهد.

آیه: ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ۝ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾ (الرحمن: ۲۰-۱۹)

دو دریا را روان ساخت تا به یکدیگر برسند؛ در میان آن دو، مانعی است که از حد خود تجاوز نمی‌کنند.

در این آیه، دریاها را به‌صورت پدیده‌هایی ساکن و بی‌حرکت توصیف نمی‌کند، بلکه آنها را در حال روان شدن، نزدیک شدن و رسیدن به یکدیگر به تصویر می‌کشد. از این‌رو، مخاطب نه با یک منظره ثابت، بلکه با صحنه‌ای سرشار از حرکت و جریان روبه‌رو می‌شود.

نخستین جلوه زیبایی آیه در «سیالیت تصویر» نهفته است. آب در تجربه انسانی، بیش از هر عنصر طبیعی دیگری با جریان، نرمی و حرکت پیوند دارد. آیه نیز از همین ظرفیت بهره می‌گیرد و دریا را نه به‌عنوان توده‌ای عظیم و ساکن، بلکه به‌صورت پدیده‌ای جاری و پویا عرضه می‌کند. بدین‌ترتیب، مخاطب با تصویری مواجه می‌شود که پیوسته در حال پیش رفتن و دگرگونی است و همین سیالیت، به صحنه، حیات و پویایی می‌بخشد.

وازجهتی دیگر، در حرکت هم‌زمان دو دریا آشکار می‌شود. در اینجا یک عنصر طبیعی در حرکت نیست، بلکه دو پهنه عظیم آبی در فرایندی مشترک به یکدیگر نزدیک می‌شوند. این هم‌زمانی، نوعی احساس هماهنگی و هم‌آهنگی در جهان طبیعت پدید می‌آورد. مخاطب جهان را به‌صورت مجموعه‌ای از اجزای منفصل تجربه نمی‌کند، بلکه آن را نظامی هماهنگ و مرتبط می‌بیند که عناصر آن در کنشی مشترک و پیوسته حضور دارند.

زیبایی دیگر آیه، در تعادل میان حرکت و آرامش است. دریاها در حال تلاقی‌اند، اما این حرکت به آشفتگی، برخورد یا فروپاشی نمی‌انجامد. در متن حرکت، نوعی انتظام و اعتدال وجود دارد. از منظر زیبایی‌شناختی، همین هم‌نشینی پویایی و تعادل، به تصویر عمق هنری می‌بخشد؛ زیرا ذهن مخاطب معمولاً حرکت را با بی‌نظمی و اضطراب همراه می‌داند، درحالی‌که آیه نشان می‌دهد حرکت می‌تواند با هماهنگی و آرامش نیز همراه باشد.

جنبه مهم دیگر، ایجاد احساس «جهان زنده» است. در این تصویر، طبیعت در حال کنش است. دریاها به پدیده‌هایی فعال تبدیل می‌شوند که در فرآیندی مستمر شرکت دارند. در نتیجه، مخاطب با جهانی روبه‌رو می‌شود که در آن هیچ چیز در سکون مطلق به سر نمی‌برد. این احساس حیات و جریان دائمی، یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های زیبایی در تصویر قرآنی است؛ زیرا خواننده خود را در برابر طبیعتی زنده، پویا و مشارکت‌پذیر می‌یابد.

در این آیات، تأثیر هنری از طریق نمایش جریان دائمی دریاها پدید می‌آید. مخاطب، نظم و هماهنگی جهان را نه از راه استدلال، بلکه از راه مشاهده حرکت پیوسته و متعادل دریاها تجربه می‌کند.

2_1_3 تشخیص و جان بخشی

تشخیص یا شخصیت بخشی آرایه ای ادبی است که در آن صفتها و یا رفتار انسانی را به جانوران و یا اشیاء نسبت می دهند، شخصیت بخشی که بعضی آن را جان بخشی به اشیاء و یا جاندار انگاری میخوانند، در حقیقت اطلاق احساسات و رفتارهای خاص انسانی به حیوانات و گیاهان و پدیده های طبیعی یا امور عقلی می باشد.

تشخیص یکی از زیباترین صور خیال است. تصرفی است که ذهن متکلم در اشیاء و در عناصر بی جان طبیعت میکند و از رهگذر نیروی تخیل خویش به آنها حرکت و جنبش میدهد طوری که همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی حرکت و حیات است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸ : ۱۴۹)همچنین به معنای پوشاندن لباس انسانی بر اندام اشیاء و یا هر مخلوق غیر بشری و بخشیدن صفات بشری به آنهاست. (جابر عصفور، ۱۹۷۴: ۲۶۸) سید قطب نیز در بیانی مشابه میگوید: نوعی از خیال انگیزی و صورت گری را می توان شخصییت دادن یا تشخص بخشیدن نامید یعنی به موجودات بی جان زندگی و اوصاف انسانی بخشید..(سید قطب، ۱۹۸۰: ۶۱ و ۹۲(

برخی تشخیص را «انسان انگاری نامیده و آن را نوعی مجاز دانسته اند که در آن به اشیاء با اندیشه های مجرد ویژگی و کردار انسانی بخشیده میشود (رضایی،۱۳۸۲: ۲۸) در تشخیص به اشیاء و جامدات شخصیت انسانی داده شده و آنها را به صورت انسان مجسم می نمایند در واقع در این شیوه صفات و نسبتهایی را به اشیاء یا حیوانات میدهند که ویژه انسان است. برای مثال آسمان یا روزگار یا باد صبا را مورد خطاب قرارداده و با آنها گفتگو میکنند در تعابیر مصور قرآنی، جلوه های بسیار زیبایی از بخشیدن حیات به جامدات را میتوان مشاهده کرد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۷۴

﴿وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾ (الرحمن: ۶)

و گیاه و درخت، در حال سجده‌اند.

این آیه، گیاه و درخت را تنها به‌عنوان عناصر طبیعی و بخشی از پوشش زمین معرفی نمی‌کند، بلکه آنها را در حال انجام کنشی زنده و معنادار به تصویر می‌کشد. بدین‌ترتیب، طبیعت از حالت سکون خارج می‌شود و به عرصه‌ای از حضور و مشارکت تبدیل می‌گردد.

نخستین جلوه زیبایی آیه در «زنده شدن طبیعت» نهفته است. در تجربه معمول انسان، گیاه و درخت، موجوداتی خاموش و فاقد کنش ارادی به شمار می‌آیند؛ اما آیه این تصور متعارف را دگرگون می‌کند و آنها را در حال انجام عملی معنادار به نمایش می‌گذارد. همین انتقال از سکون به حیات، عنصر شگفتی و تازگی را در تصویر پدید می‌آورد و بر ارزش هنری آن می‌افزاید.

دومین جنبه زیبایی، در ایجاد نوعی «همبستگی هستی» آشکار می‌شود. در این تصویر، انسان تنها موجود حاضر در عرصه ستایش و بندگی نیست، بلکه طبیعت نیز در این تجربه مشارکت دارد. گیاه و درخت از جایگاه اشیای بی‌جان خارج می‌شوند و به عناصری هم‌سو و هم‌نوا با کل هستی تبدیل می‌گردند. این هم‌نوایی، احساس هماهنگی و یگانگی در جهان را در ذهن مخاطب برمی‌انگیزد و یکی از سرچشمه‌های زیبایی تصویر محسوب می‌شود.

جنبه مهم دیگر، برانگیختن احساس صمیمیت با طبیعت است. هنگامی که درخت و گیاه دارای نوعی حضور و کنش تصویر می‌شوند، مخاطب دیگر آنها را پدیده‌هایی دور و بی‌ارتباط با خود احساس نمی‌کند، بلکه نوعی نزدیکی و پیوند عاطفی میان خود و جهان پیرامون تجربه می‌کند. از منظر زیبایی‌شناسی، همین کاهش فاصله میان انسان و طبیعت، یکی از عوامل مهم تأثیرگذاری تصویر است.

همچنین آیه طبیعت را از سطح یک منظره صرف فراتر می‌برد و آن را به موجودیتی سرشار از حیات و معنا تبدیل می‌کند. در نتیجه، خواننده تنها به مشاهده درخت و گیاه بسنده نمی‌کند، بلکه آنها را در وضعیتی از حضور، پویایی و مشارکت درک می‌کند. این تجربه، تصویر را از سطح توصیف طبیعی به مرتبه‌ای عمیق‌تر از ادراک زیبایی‌شناختی ارتقا می‌دهد.

این آیه طبیعت را به جهانی زنده، هم‌آوا و دارای حضور فعال تبدیل می‌کند و از رهگذر این جان‌بخشی، تجربه‌ای عمیق از هماهنگی، حیات و زیبایی در ذهن مخاطب پدید می‌آورد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تکیه بر دیدگاه تصویرسازی هنری سید قطب، به بررسی نقش نمادهای طبیعی در تفسیر زیبایی‌شناختی سوره الرحمن پرداخت. نتایج نشان داد که در نگرش سید قطب، طبیعت در قرآن صرفاً مجموعه‌ای از پدیده‌های مادی یا نشانه‌های معرفتی نیست، بلکه از طریق تصویرسازی هنری، به جهانی زنده، پویا و سرشار از دلالت‌های زیبایی‌شناختی تبدیل می‌شود. ازاین‌رو، نمادهای طبیعی سوره الرحمن تنها وظیفه انتقال معنا را بر عهده ندارند، بلکه خود به ابزار آفرینش تجربه ادراکی و عاطفی برای مخاطب بدل می‌شوند.

بازسازی استنباطی دیدگاه سید قطب نشان داد که تصویرسازی هنری سوره الرحمن را می‌توان در چهار مؤلفه «تصویر بصری»، «تصویر حسی چندبعدی»، «پویایی و حرکت» و «تشخیص و جان‌بخشی» صورت‌بندی کرد. در مؤلفه تصویر بصری، عناصر طبیعی همچون آسمان، دریا و باغ‌های بهشتی در قالب مناظری دیدنی و مجسم عرضه می‌شوند و مخاطب را از سطح دریافت مفهومی به مشاهده ذهنی و تخیل دیداری سوق می‌دهند. در مؤلفه تصویر حسی چندبعدی، طبیعت با برانگیختن هم‌زمان لایه‌های مختلف ادراک حسی، تجربه‌ای ملموس و نزدیک از نعمت و حیات بهشتی پدید می‌آورد. در مؤلفه پویایی و حرکت، جهان طبیعت در وضعیت جریان و تداوم ترسیم می‌شود و بدین‌ترتیب، هستی به نظامی زنده، هماهنگ و در حال وقوع تبدیل می‌گردد. سرانجام، در مؤلفه تشخیص و جان‌بخشی، عناصر طبیعی از حالت اشیای خاموش خارج شده و به موجوداتی دارای حضور، کنش و حیات تبدیل می‌شوند.

بر پایه این مؤلفه‌ها، روشن شد که نمادهای طبیعی در سوره الرحمن، در نگاه سید قطب، تجلی هم‌زمان رحمت و قدرت الهی‌اند. رحمت الهی از طریق تصویر باغ‌ها، میوه‌ها، آب‌ها و جلوه‌های طراوت‌بخش طبیعت در قالب تجربه‌ای آرامش‌آفرین و لذت‌بخش بازنمایی می‌شود و قدرت الهی نیز در نظم کیهانی، پویایی عناصر هستی و دگرگونی‌های عظیم طبیعت تجلی می‌یابد. بدین‌ترتیب، سوره الرحمن به‌جای ارائه گزارشی انتزاعی از صفات الهی، آنها را در قالب صحنه‌هایی زنده و محسوس عرضه می‌کند و مخاطب را به مشارکت ادراکی و عاطفی در این تجربه فرا می‌خواند.

بنابراین، مهم‌ترین یافته پژوهش، ایجاد پیوند میان معنا و تجربه زیبایی‌شناختی است؛ به‌گونه‌ای که مخاطب، رحمت و قدرت الهی را نه صرفاً در سطح فهم عقلانی، بلکه در سطح مشاهده، احساس و تجربه درونی ادراک می‌کند. ازاین‌رو، تصویرسازی هنری را می‌توان یکی از بنیادی‌ترین سازوکارهای زیبایی‌شناختی سوره الرحمن و کلید فهم نقش نمادهای طبیعی در تأثیرگذاری هنری این سوره دانست.

منابع

قرآن کریم

۱- الهی قمشه ای مهدی (۱۳۴۹) ترجمه فارسی قرآن کریم تهران: نشر جمهور

۲- ابن عاشور (۱۹۸۴). تفسیر التحریر والتنویر، جزء۲۷، تونس: دارالتونسیه

۳- جمعه، حسین (۲۰۰۵م). التقابل الجمالی فی النصّ القرآنی . چاپ اول. دمشق: دارالمنیر

۴- حسینی خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۸). "فی ظلال القرآن" تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

۵- خالدی، عبدالفتاح. (۱۹۹۹). نظریه التصویر عند سیدقطب، السعودیه.

۶- خرقانی، حسن.(۱۳۸۷). "مفاهیم زیبایی شناختی در قرآن" شماره۸۰. ص ۱۱ تا ۴۷.

۷- خوشرو، ابوالقاسم.(۱۳۷۴). " جان مایه های معنوی هنر" فصلنامه هنر، شماره ۳۰.

۸- دهخدا، علی اکبر.(۱۳۷۳) جلد ۴، (۱۳۷۷) جلد ۱۵. لغت نامه، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران

۹- راغب، اصفهانی. حسین ابن محمد.(۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. دمشق، دارالعلم.

۱۰- راغب، عبدالسلام، احمد(۱۳۸۷)" کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم"سید حسین سیدی. (تهران) انتشارات سخن

۱۱- رضوان، هادی، زرین پور، داوود. (۱۳۹۰)." بررسی زیباشناسی مقابله وفاصله در سوره الرحمن" . دوفصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا. سال دهم. شماره۱، پیاپی۱۹.ص ۵۷ تا۷۴.

۱۲- رضایی، عربعلی.(۱۳۸۲). "واژگان توصیفی ادبیات" تهران: نشر فرهنگ معاصر

۱۳- سید قطب،(۲۰۰۶) مشاهدالقیامۀ فی القرآن، قاهره: دارالمشروق

۱۴- سید قطب، (۱۹۳۹م). التصویر الفنی فی القرآن، ترجمه محمدعلی عابدی. (تهران) مرکز نشر انقلاب.

۱۵- سیدی، حسن.(۱۳۸۷). "مولفه های تصویر هنری در قرآن" . مجله اندیشه های دینی : شماره ۲۷.

۱۶- شریفی، حدیث، نجم الدین، فواد. (۱۳۹۳). " تحلیل نشانه شناسی گفتمانی سوره الرحمن (مبتنی بر الگوی تنشی). نشریه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۵. ص۴۷ تا۷۲.

۱۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۸). صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه.

۱۸- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). الفرقان فی التفسیر القرآن بالقرآن، جلد ۲۸، چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی،

۱۹- عصفور جابر، احمد.(۱۹۷۴). الصوره الفنیه فی التراث النقدی والبلاغی: قاهره: دارالثقافه.

۲۰- قاضی زاده، کاظم. (۱۳۸۹). سید قطب و نظریه تصویری در قرآن، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره ۱۴.

۲۱- قاسمی، حمید محمد (۱۳۸۶) «جلوه هایی از هنر تصویر آفرینی در قرآن. مجله صحیفه مبین، شماره ۴۰

۲۲- کریمی، ام البنین. (۱۳۹۸). "تصویرآفرینی هنری قرآن کریم" نشریه پژوهش های نوین در آموزه های قرآن و سنت، شماره ۳. ص ۱۰ تا ۳۰.

۲۳- موسوی لر، اشرف سادات. یاقوتی، سپیده.(۱۳۹۲) " مقارنه تصویری آیات الله الرحمن قرآن کریم با نظریه تصویر پردازی سید قطب" . نشریه مطالعات هنر اسلامی ، شماره۱۹، ص۲۰ تا ۲۴.

۲۴- مسعودی مقدم، مژگان. (۱۳۹۴). تبیین جلوه های هنری قرآن، میثاق، شماره ۲.

۲۵- معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۰). التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه نشر اسلامی.

۲۶- نصیری، علی. (۱۳۸۷) "قرآن و هنر" پژوهش های تفسیر وعلوم قرآن،قم: چاپ دوم

۲۷- نیکوکلام عظیم، احمدرضا. (۱۴۰۳). " نوآوری سید قطب در زیبا شناسی بیانی قرآن کریم" مجله تفسیر پژوهی، شماره ۲۱، ص ۳۸۴ تا۴۱۰.

۲۸- یعقوبی کوهیخیلی، سیده فاطمه، محمد مهدی کریمی نیا و سیدقاسم حسینی. (۱۴۰۱)، نشریه معارف علوم اسلامی و علوم انسانی، شماره ۹، صص ۴۱۰-۳۹۳.